کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۴۹، ۲۵ مرداد ماه ۱۴۰۰

خواست کارگران نانوا: نان را گران نکنید، مزد را افزایش دهید!

افزایش سریع قیمت اقلام خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، تحمل فشار گرانی‌ها و سختی‌های زندگی را برای کارگران و زحمتکشان میهن‌مان دشوارتر از گذشته کرده است. مطابق گزارش‌های رسمی منتشر شده در تیرماه امسال هزینه خرید برخی اقلام خوراکی تا بیش از ۱۲۸ درصد افزایش داشته و تورم نقطه‌به‌نقطه به بالای ۴۳ درصد رسیده است.

یکی از آن اقلام که افزایش قیمت داشته است، نان است که از پایه‌ای‌ترین مواد غذایی برای به‌دست آوردن انرژی به‌حساب می‌آید و در تیرماه امسال افزایش قیمت پیدا کرد. افزایش قیمت نان بخشی از سیاست آزادسازی قیمت‌ها از سوی رژیم است که البته فشار ناشی از آن بر لایه‌های

ادامه در صفحه ۳

چرا مطالبهٔ کارگران هفت‌تپه تحقق نیافته است؟

خواست اصلی کارگران هفت‌تپه در مبارزات سال‌های اخیرشان لغو خصوصی‌سازی شرکت و بازگشت آن به دولت بوده است. کارگران با مبارزهٔ متحد و پیگیرشان این خواست را به رژیم ولایی تحمیل کردند. اما باوجود خلع‌ید از "بخش خصوصی"، هدف رژیم از درپیش گرفتن سیاست فرسایشی ناامید کردن کارگران و جلوگیری از اوج‌گیری مبارزه علیه خصوصی‌سازی است. کارگران هفت‌تپه در دور جدید اعتصاب‌شان بر تعیین تکلیف شرکت بعد از خلع‌ید از بخش خصوصی، پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، بازگشت به کار تمامی همکاران اخراج شده، تمدید قرارداد کارگران دفع آفات و دیگر کارگران، و واکسیناسیون سریع و رایگان همگان در مقابل کرونا را از مهم‌ترین خواست‌های‌شان عنوان کردند. کارگزاران رژیم ولایی تلاش دارند با انواع ترفندها کارگران اعتصابی هفت‌تپه را از ادامه اعتصاب خسته و ناامید سازند. حضور جریان‌های ارتجاعی به‌نام عدالت‌خواه در جریان اعتراض‌ها هدفی جز به انحراف کشاندن و مهار اعتصاب ندارند.

پیش از نمایش انتخاباتی ریاست‌جمهوری، رئیسی در شهرک صنعتی عباس‌آباد تهران "مأموریت بزرگ" خود در ورود به "صحنه" اداره کشور را خشکاندن "ریشه فساد" عنوان کرد. اسدبیگی، مالک خصوصی غارتگر و قبلی هفت‌تپه، در گفتگویی با ایلنا، ۱۱ مردادماه ۱۴۰۰، پرداخت نکردن دو ماه حقوق کارگران را تأیید کرد. همچنین مطابق گزارش ۲۶ تیرماه ایلنا، علاوه بر مطالبات کارگران از سال‌های گذشته و حق سنوات پرداخت نشده ۹۰ کارگران بازنشسته در سال ۹۹، برای سال جاری نیز وعده‌هایی بی‌پشتوانه به کارگران داده شده است. در ضمن روز ۱۰ مردادماه، فرماندار شوش در گفتگویی با ایسنا تجمع‌ها و اعتراض‌های گستردهٔ کارگران در داخل کارخانه و در خیابان‌های شوش را تأیید کرد و در مورد دستمزدهای معوق کارگران گفت: "کارگران نیشکر هفت‌تپه سه ماه است که حقوق نگرفته‌اند." روز ۹ مردادماه در نشست به‌اصطلاح ستاد ملی تسهیل و رفع موانع تولید در خوزستان، معاون هماهنگی امور اقتصادی وزیر کشور تعداد واحدهای تولیدی "تحت تملک بانک‌ها" در استان خوزستان را ۷۶ واحد، تعداد "واحد تولیدی راکد و غیرفعال" در استان را ۷۰ واحد، و تعداد "واحد تولیدی مشکل‌دار و بحرانی" در خوزستان را 46 واحد عنوان کرد؛ او در رابطه با پرداخت حقوق کارگران نیشکر هفت‌تپه، "تأمین منابع موردنیاز" را با همکاری و هماهنگی وزارت اقتصاد و وزارت کار وعده داد. هیچ‌یک از این قول و قرارها جامهٔ عمل نپوشیده و با توجه به سیاست‌های دولت جدید تحقق نخواهند یافت.

رئیسی بجز برخی مانورهای نمایشی نه‌فقط "مأموریت" خشکاندن "ریشه فساد" ساختاری در جمهوری اسلامی را نداشته و نخواهد داشت، بلکه روز ۲۴ تیرماه در دیدار با اساتید و نخبگان اقتصادی در مورد خصوصی‌سازی گفت: "واگذاری بنگاه‌های دولتی آغاز مسیر نظارت و حمایت از بخش خصوصی است." رئیس دولت کنونی رژیم ولایت فقیه تاراج منابع ملی را "آغاز مسیر" حمایت از بخش خصوصی می‌داند. علت اصلی تحقق نیافتن مطالبه کارگران هفت‌تپه را باید در اجرای برنامه‌های ضد ملی اقتصادی - اجتماعی دید.

از گسترش اعتراض‌های مردمی تا رشد اعتصاب‌های کارگری؛ ضرورت تشکل‌یابی و احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان

جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان طی ماه‌های اخیر به‌دلایل عینی و ذهنی ازجمله تشدید بحران اقتصادی و رکود که به فقر و فلاکت در ابعادی دهشتناک منجر شده، رشد و گسترشی چشمگیر داشته است. اعتصاب‌ها در سراسر کشور و در واحدهای مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی مانند شماری از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز صنعتی‌ای نظیر صنایع نفت، ماشین‌سازی، پولاد، و نظایر آن‌ها، در جریان است. نارضایتی زحمتکشان از وضعیت موجود یعنی فقر، شکاف طبقاتی، کاهش سطح مزد، نابودی امنیت شغلی، رواج قراردادهای موقت، یکه‌تازی دلال‌های نیروی کار زیر عنوان پیمانکاران، تعطیلی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، بیکاری گسترده و ممانعت حکومت جمهوری اسلامی از فعالیت آزادانه تشکل سندیکایی و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا که مسئول مستقیم آن ولی فقیه و مجموعه حاکمیت‌اند، کارد را به استخوان زحمتکشان رسانده و موج اعتراض‌های‌شان را به‌شکل‌هایی گوناگون به‌ویژه با به‌کارگیری سلاح کارآمدِ اعتصاب فراهم ساخته است. همزمان با این جنبش رشد یابنده،

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، سرکوبِ حقوق صنفیِ و برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری!

ادامهٔ از گسترش اعتراض‌های مردمی تا رشد ...

اوج‌گیری نارضایتی عمومی در سطح کشور و در میان لایه‌های مختلف اجتماعی را شاهدیم. در چنین وضعیتی دولت برآمده از نمایش انتخاباتی اخیر پس از مراسم تنفیذ و تحلیف فعالیت رسمی‌اش را آغاز می‌کند. بر کسی پوشیده نیست که در نتیجهٔ سیاست‌ها و عملکرد رژیم ولایت فقیه وضعیت کشور بسیار بحرانی و نگران‌کننده بوده است. فهرست وزرای پیشنهادی ابراهیم رئیسی به مجلس گواه ماهیت این دولت است. انتصاب افرادی مانند محمد مخبر در مقام معاون اول رئیس‌جمهور و پیشنهاد عناصر واپس‌گرایی همچون عبدالملکی برای وزارت کار، خاندوزی برای وزارت اقتصاد، و فاطمی امین برای وزارت صنعت، یعنی کسانی که هریک با هزار رشته به بنیادهای انگلی‌ای مانند ستاد اجرایی فرمان امام، آستان قدس رضوی، کمیته امداد خمینی، بنیاد مستضعفان، بنیاد برکت، و سپاه پاسداران وابسته‌اند، نشان دهندهٔ میزان نقش بنیادهای انگلی و جریان رانت‌خوار و کارتل‌های پرقدرت مالی رژیم در دولت ابراهیم رئیسی است و آشکار می‌سازد که کدام جریان‌ها اکنون سکان‌دار قوه مجریه‌اند. این چهره‌ها از دشمنان سوگندخوردهٔ طبقه کارگر و مخالف هرگونه قانون کار مترقی‌ای در زمینه مسائل کارگری بوده‌اند و هستند.

بی‌تردید اوج‌گیری و گسترش نارضایتی و مخالفت توده‌های تهی‌دست جامعه با برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی حکومت و سیاست‌های سرکوبگرانه آن یکی از ویژگی‌های مقطع زمانی کنونی است. اعتراض‌های مردمی این بار در مقطع زمانی‌ای معین درحالی اوج گرفت که اعتصاب‌های کارگری نیز در جریان و رو به گسترش بوده است. خیزش‌های مردمی دی‌ماه 96 و آبان ماه 98 زمانی رخ داد که جنبش اعتصابی کارگران و زحمتکشان در ابعاد و اندازه‌ای که امروز مشاهده می‌کنیم بر پا نبود. ازاین‌روی مشخصهٔ دوره کنونی را هم‌زمانی اعتراض طبقه و لایه‌های اجتماعی مختلف و مخالف استبداد ولایی با یکدیگر اما همچنان بدون داشتن پیوند لازم با یکدیگر می‌توان ارزیابی کرد. نکته مهم دیگر اینکه اعتراض‌های مردمی کنونی از رهبری‌ای متکی بر یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری محروم بوده‌اند. اعتصاب کارگران پروژه‌ای و پیمانی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی همراه با ادامه اعتصاب کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه و نیز دیگر واحدهای صنعتی نشانگر حضور فعال‌تر، پرشمارتر، و مصمم‌تر کارگران و زحمتکشان در دو عرصه صنفی- رفاهی و سیاسی است. گرچه جنبش اعتراضی و اعتصابی کنونی طبقه کارگر کماکان فاصله‌ای معین با مبارزه سیاسی متشکل طبقه کارگر دارد، اما با تمامی نقاط ضعف و قدرتش سبب گردیده‌اند جنبش کارگری و سندیکایی به‌طورکلی بخشی انکارنشدنی و جدایی‌ناپذیر از پویه مبارزات همگانی علیه وضع موجود و دیکتاتوری به‌شمار آیند. اعتصاب‌های اخیر نشان می‌دهند در صحنه سیاسی سیال و چندضلعی و در میدان مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان گام‌به‌گام بنیه‌شان را تقویت می‌کنند و در جهت تحکیم جایگاه‌شان در حرکت‌اند. روند رو به‌رشد و امیدوار کننده مبارزات جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی فرایندی عینی است که پس از سرکوب سال‌های دهه ۱۳۶۰ از بطن پیکار هوشیارانه و خستگی‌ناپذیر با برنامه‌های اقتصادی -اجتماعی ولایت فقیه یعنی از دل مبارزه با سیاست ضد ملی تعدیل ساختاری بیرون آمده، شکل گرفته، و باوجود سلطهٔ سرکوب و خفقان بر محیط‌های کارگری راهش را به‌پیش گشوده و مرحله‌ای نو از مبارزات کارگری - سندیکایی را درحال رقم زدن است.

تجربه ثابت می‌کند طی تمام این مدت بزرگ‌ترین عامل بازدارنده در راه دستیابی زحمتکشان به حقوق صنفی- رفاهی و مقابله با برنامه‌های ضد کارگری، سیاست سرکوب کارگران و ممنوعیت فعالیت سندیکاها از سوی استبداد حاکم بوده است. پیامدهای منفی این بازدارندگی جنبه‌هایی مختلف را در بر می‌گیرد که به آن‌ها به‌موقع خود خواهیم پرداخت. به‌علاوه اشاره به این موضوع که حق برخورداری زحمتکشان از سازمان سندیکایی فقط به موفقیت در عرصه حقوق صنفی نمی‌تواند وابسته و محدود باقی بماند. خالی از فایده نیست این نکته را بار دیگر یادآور شویم که با تشدید تضاد و رویارویی طبقاتی، مبارزه اقتصادی- صنفی به مبارزه سیاسی فرامی‌روید. ازاین‌روی، وجود سندیکاهای کارگری در مقام سازمان پایه طبقاتی نه‌تنها برای دستیابی به آماج‌های اقتصادی و رفاهی ضرور است، بلکه برای نیل به هدف‌های عام سیاسی و ارتقای موقعیت جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایی و مداخله‌های امپریالیسم و تقویت آن، مؤثر و بسیار مهم است. بنابراین، تأکید بر احیای حقوق سندیکایی و برپایی سندیکاهای واقعی نه‌تنها توانایی طبقه کارگر و زحمتکشان برای تأمین منافع صنفی را به‌صورت چشم‌گیر افزایش می‌دهد، بلکه همچنین عاملی مهم در تقویت جایگاه جنبش کارگری - سندیکایی در پیکار مردمی بر ضد دیکتاتوری نیز است.

مروری هرچند گذرا به اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری چند سال اخیر ازجمله ماه‌های گذشته این نکته را به‌اثبات می‌رساند که وجود سازمان سندیکایی و احیای حقوق سندیکایی تا چه اندازه مهم است و چرا برپایی آن و دستیابی به آن وظیفه‌ای فوری در این مرحله محسوب می‌شود. اعتصاب کارگران پروژه‌ای و پیمانی صنعت نفت، تداوم اعتصاب کارگران هفت‌تپه و اعتراض‌های رو به‌گسترش در واحدهای صنعتی‌ای مادر مانند هپکو، آذراب و ذوب‌آهن و ماشین‌سازی این درس بزرگ را به‌همراه داشت که وجود سندیکا برای تأمین منافع و خواست‌های کارگران و پیشبرد امر مبارزه صنفی تا چه اندازه حیاتی است. نارسایی‌های موجود و معضل‌های کنونی در هدایت، رهبری، سازمان‌دهی، انتخاب شعارها و تعیین خواست‌ها در حرکت‌های اعتصابی که اکنون به‌چشم می‌خورند زمانی می‌تواند تخفیف یابند و از راه درست حل شوند که کارگران از سازمان صنفی -طبقاتی یعنی سندیکا برخوردار باشند. این نارسایی‌ها را در تمام حرکت‌های اعتراضی و اعتصاب‌ها اکنون به‌روشنی می‌بینیم. تنش‌ها و اصطکاک‌ها بر سر ادامه دادن یا پایان دادن به اعتصاب، نوع و روش‌های مبارزاتی و چگونگی هدایت اعتصاب‌ها در صورت وجود سندیکا و رسمیت یافتن حقوق سندیکایی می‌توانست به‌شکلی معقول و منطقی بررسی و در چهارچوب وحدت سندیکایی حل‌وفصل شوند.

با رشد و گسترش جنبش اعتراضی طبقه کارگر هم‌زمان با اوج‌گیری نارضایتی‌های عمومی و خیزش‌های مردمی، حق تشکل‌یابی و احیای حقوق سندیکایی اهمیتی دوچندان یافته است. دولت برگمارده ولی فقیه، دولت جلاد فاجعه ملی، در اوضاعی بحرانی فعالیتش را آغاز می‌کند. نخستین آماج حکومت جمهوری اسلامی با آغاز فعالیت دولت رئیسی مهار اعتراض‌های مردم و حل بحران در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی است. ما اعتقاد داریم برون‌رفت از این بحران بدون مبارزه و حضور توده‌های مردم به‌ویژه طبقه کارگر متشکل نمی‌تواند تأمین کننده منافع ملی ایران و تضمین کننده حقوق مردم میهن ما باشد. تأمین امنیت سرمایه نامولد تجاری-مالی، انعطاف پذیر کردن بازار کار (تقلیل قوانین کار به نفع کارفرما)، و مقررات‌زدایی

ادامه در صفحه ۳

ادامهٔ از گسترش اعتراض‌های

از برنامه نولیبرالی دولت ضد ملی ابراهیم رئیسی به‌کنار نهاده نشده‌اند. این برنامه‌ها با عنوان‌هایی دیگر در متن و بطن سیاست‌ها و اولویت‌های دولت قرار دارند. برنامه‌های حکومت جمهوری اسلامی به‌منظور بقای نظام به تشدید تضادها دامن خواهد زد. اینکه به‌اصطلاح سیاست‌های "تخفیف دهنده" نارضایتی‌ها که دولت و مجلس ادعای ارائه آن را دارند آیا می‌تواند فضای سیاسی بحرانی کشور را تا حدودی به حالت عادی درآورند یا نه در اصل مسئله به‌هیچ‌وجه تغییری به‌وجود نمی‌آورند. پرواضح است که سیاست به‌اصطلاح تخفیف بحران که برخی نمایندگان مجلس و اطرافیان ابراهیم رئیسی مدعی اجرای آن هستند به‌هیچ‌روی واقعیت ندارد و اصولاً برنامه‌هایی در جهت تأمین خواست‌های زحمتکشان در دستورکار نیست. انباشت سرمایه های نامولد خصوصی و شبه خصوصی به‌بهای فقر بیشتر طبقه کارگر و دیگر لایه های زحمتکشان و تهی‌دستان جامعه یعنی اکثر مردم میهن ما با دولت رئیسی با سیاست‌های او و رابطه نزدیک دولتش با اتاق بازرگانی یعنی ستاد کلان سرمایه‌داری انگلی ایران غیر قابل گسست است. توجه به این واقعیت‌ها به ما نشان می‌دهد در مبارزه‌ای که در پیش داریم احیای حقوق سندیکایی و تشکل مستقل زحمتکشان تا چه پایه پراهمیت و حیاتی‌اند. ارتقای سطح مبارزات اعتصابی کنونی به برخورداری از حق تشکل سندیکایی وابسته است. احیای حقوق سندیکایی در عرصه صنفی توانایی کارگران را برای زندگی بهتر بالا می‌برد و در عرصه سیاسی به ارتقای آگاهی و نقش آنان در مبارزات ضد دیکتاتوری و در چشم‌اندازی گسترده‌تر اثرگذاری‌شان بر مبارزه برای گذار به مرحله ملی و دموکراتیک را تقویت و دسترس‌پذیر می‌سازد و جایگاه طبقه کارگر را در جنبش مردمی برجسته‌تر می‌کند.

احیای حقوق سندیکایی از خواست‌های اصلی جنبش اعتراضی و اعتصاب‌های کنونی است. باید این خواست و شعار را هرچه بیشتر به میان توده‌های کارگر و دیگر زحمتکشان برد. تحول‌های صحنه سیاسی و امکان تغییرات بنیادین به‌سود توده‌های تهی‌دست جامعه برای گذار از دیکتاتوری ولایی بدون نیروی متشکل توده‌ها، بدون طبقه کارگر متحد و متشکل امکان‌پذیر نیست. قدرت متشکل و سازمان‌یافته طبقه کارگر و زحمتکشان ضامن تأمین خواست‌های صنفی - رفاهی و سیاسی است.

ارزان‌سازی نیروی کار، برنامهٔ دورکاری و اِعمال محدودیت در فضای مجازی

همزمان با اعتراض کارکنانی که به‌اجبار به دوری‌کاری مشغول شده‌اند و از حقوق بدیهی‌شان محروم مانده‌اند، انتقاد و اعتراض به طرح مجلس با اسم بی‌مسمای "صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی" در صدر خبرها قرار داشت. گرچه این طرح در صحن علنی مجلس مطرح نشد و به کمیسیون ارجاع گشت، اما اجرای حداقل آزمایشی آن قوت گرفته است. در بسیاری از کشورها در دوران همه‌گیری کرونا یکی از راه‌های کسب سود سرشار بهره‌گیری از روش "دورکاری" است که به‌جای کار کردن در کارخانه یا شرکت با همکاری مشترک و تبادل‌نظر با دیگر همکاران، کار به منزل شخصی انتقال یافته، با زندگی شخصی ادغام گردیده و دیگر مرزی بین آن دو وجود ندارد. جالب‌توجه اینکه امکان کنترل دائمی کار و زندگی شخصی با رشد و پیشرفت فناوری نیز فراهم شده است.

میهن ما ایران نیز از این قاعدهٔ کلی مستثنا نیست و کلان‌سرمایه‌داران ایرانی برای کاهش هزینه‌ها، پرداخت دستمزدهای پایین، و فاصله انداختن میان کارگران و زحمتکشان با قطع ارتباط آنان با یکدیگر به‌وسیلهٔ طرح "دورکاری" از این طرح استقبال کرده‌اند و تا کنون نهایت بهره را از آن برده‌اند. ماهیت "دورکاری" درواقع از جنس کار حجمی یا پیمانی و مقاطعه‌کاری است. زمان مشخصی برای به‌پایان رساندن کار وجود ندارد، از بیمه و پرداخت مزد بابت اضافه‌کاری هم خبری نیست. کارگران باید بی‌وقفه کار کنند زیرا از هرگونه مرخصی بی‌بهره‌اند و دور کاری این روند را تشدید می کند. شرایط برای استثمار کارگران، اعم از ساده و ماهر، آماده گردیده، قانون کاری متناسب و مترقی هم در این زمینه وجود ندارد و کارفرماها با استفاده از این خلع قانونی حقوق کارگران و با تشدید استثمار آنان به‌ثروت‌اندوزی مشغولند. در میهن ما روش دورکاری در بازار کار و انواع قراردادهای موقت لطمه‌ای جدی بر منافع زحمتکشان وارد کرده است. روزنامه اعتماد، ۲۹ خردادماه ۱۴۰۰، در ارتباط با استثمار در بازار کار آنلاین و دورکاری ازجمله نوشت: "سیستم نظام حقوقی و بیمه‌ای و نظام حقوقی کار نتوانسته سریع خود را با این بخش جدید از اقتصاد لینک دهد... درنتیجه این وضعیت با کارگرانی مواجهیم که به‌اسم اینکه کار در محیط فیزیکی نیست، ساعات بیشتری مشغول بکارند. ... این وضعیت استثمار هرچه بیشتر نیروی کار را با خود همراه دارد."

انتظار نظارت بر کار در عرصهٔ "دورکاری" یا کار در بازار آنلاین از طرف ارگان‌هایی مانند اداره کار، انتظاری است بی‌حاصل. اکنون با طرح مجلس یعنی اعمال محدودیت و سانسور در فضای مجازی ضربه‌ای دیگر به‌تمامی زحمتکشانی که در فضای مجازی به‌کار اشتغال دارند و همچنین کسب‌وکارهای خُرد وارد می‌آید. طرح مجلس موسوم به صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی به بیکاری بیشتر در این عرصه منجر خواهد شد. به‌جای اِعمال محدودیت و سانسور در فضای مجازی باید کارکنان آنلاین مشمول قانون کار شوند و حقوق آنان ازجمله دستمزد عادلانه، حق بیمه، حق بازنشستگی، و حق تشکیل سندیکا به‌رسمیت شناخته شود.

ادامهٔ خواست کارگران نانوا:

تهی‌دست جامعه ازجمله خود کارگران نانوا وارد می‌شود. این درحالی است که مزد کارگران نانوا پایین‌تر از سطح اعلام‌شدهٔ شورای‌عالی کار است. کارگران نانوا در تمام استان‌های کشور نسبت به پایین بودن سطح دستمزد و افزایش هزینه‌های زندگی اعتراض کرده و می‌کنند. کارگران نانوا معتقدند: " افزایش حقوق کارگران بر اساس افزایش قیمت نان معنا و مفهومی ندارد و در صورت گران شدن قیمت نان، بازهم خود کارگران آسیب می‌بینند" [ایلنا، ۲۳ تیرماه ۱۴۰۰].

در خبرگزاری‌های رسمی ایران این‌طور وانمود می‌شد که با افزایش قیمت نان دستمزد کارگران نانوا نیز افزایش پیدا خواهد کرد، اما واقعیت این است افزایش قیمت نان ارتباطی با افزایش مزد کارگران نانوا ندارد. دستمزدها در ایران همگی تابعی از حداقل مزد تعیین شده در شورای‌عالی کار نیستند، اغلب کارگران صنوف از تصمیم‌گیری‌های شورای عالی‌کار نصیبی نمی‌برند. مزد کارگران نانوا هم از سوی کمیته دستمزد شورای‌عالی کار تعیین نمی‌شود.

در رابطه با افزایش دستمزد، رئیس انجمن صنفی کارگران نانوایی‌های سبزوار درباره آخرین وضعیت دستمزد کارگران نانوا به خبرگزاری ایلنا، ۵ مردادماه امسال، توضیح داد: "نان مبلغ ۲۵۰ تومان در سبزوار گران شد؛ کارفرمایان تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از این گرانی ببرند و مبلغ کمتری برای مزدبگیران اختصاص دهند. به‌گفته وی، جلسه‌ای روز شنبه (دوم مردادماه) برای تعیین مزد در اداره کار برگزار شد اما نتیجه‌ای حاصل نشد."

رژیم ولایت فقیه با اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی‌ای ضد ملی و با به زیر پا گذاشتن حق تشکل سندیکاهای مستقل کارگری شرایطی بسیار دشوار را به کارگران نانوا تحمیل کرده است. با تلاش در راه احیای سندیکاهای مستقل کارگری و ایجاد آن‌ها و با اتحاد و همبستگی طبقاتی می‌توان به این وضعیت غیرعادلانه کارگران پایان داد و مانع از دست‌درازی بیشتر واپس‌گرایان به‌سفرهٔ زحمتکشان شد.

کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی؛ مبارزه با برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی مردم‌ستیز و بر ضد تخریب و هرج‌ومرج

بیانیه کوساتو در ارتباط با اعتراض های جاری در آفریقای جنوبی

کنگرهٔ اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی ("کوساتو") تخریب مراکز حیاتی اقتصادی و زیرساخت‌های اجتماعی در استان‌های کوازولو- ناتال و گاتنگ را محکوم می‌کند. بی‌قانونی در سراسر کشور درحال گسترش است و به اِعمال رهبری منسجم و هماهنگ مردمی در تمام سطوح حکومتی نیاز دارد. اگر به این امر سریع و به‌طور اصولی پاسخ داده نشود بسیاری از کارگران شغل‌شان را و خیلی از خانواده‌ها منابع درآمدی‌شان برای تأمین حداقل‌های زندگی را از دست می‌دهند. کوساتو از برخورد بدون انسجام دولت ششم با این مسئله ناامید شده است. شهرداری‌ها، استان‌ها و ادارات ملی از این هرج‌ومرج غافلگیر شده‌اند. درحالی‌که وقایع کنونی ناشی از ناآرامی و سرخوردگی سیاسی پس از دستگیری ژاکوب زوما، رئیس‌جمهور سابق، بود، ولی اکنون مشخص شده که عناصر جنایتکار فرصت‌طلبانه از این موضوع سوءاستفاده کرده و از آن برای غارت بهره‌برداری می‌کنند.

این رویداد هشدار و یادآوری‌ای است که وجود بیکاری و گرسنگی میلیون‌ها نفر در آفریقای جنوبی امری واقعی است. کوساتو مدت زمانی طولانی بر این موضوع تأکید داشته که بیکاری در حکم بمبی ساعت‌شمار بوده و می‌تواند جامعه را منفجر کند. همچنین باز هم یادآوری می‌کنیم که میلیون‌ها نفر در آفریقای جنوبی گرسنه و بیکار هستند. با توجه به اینکه آنان به‌طور سازمان‌یافته از اقتصاد اصلی کشور جدا مانده‌اند و بر درآمدهای بخورونمیرشان به‌طور دائم یورش برده شده است، به نقطه‌ای رسیده‌اند که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. بحران بیکاری، فقر و نابرابری را با توجیه کردن نمی‌توان حل کرد. کوساتو از شکست کنگره ملی آفریقای جنوبی (ا- ان-سی) در ارائه راه‌حل و رهبری امور در این شرایط سخت به‌شدت انتقاد می‌کند. پاسخ‌های متفاوت داده شده از طرف رهبران سیاسی منتخب در همهٔ سطوح سازمانی ناامیدی و سردرگمی بین مردم به‌وجود آورده است.

کوساتو به کنگره ملی آفریقای جنوبی نامه‌ای سرگشاده ارسال داشته و برگزاری نشست فوری شورای ائتلاف سیاسی را درخواست کرده است تا حوادث جاری را به‌بحث بگذارد. نبود مشورت دموکراتیک و وفاق ملی درباره جهت‌گیری انقلاب ملی و دموکراتیک کشور ما تشتت رهبری را ایجاد کرده است، تشتتی که در ائتلاف سیاسی و کل جامعه تأثیری منفی دارد. به‌این ترتیب شرایط برای تمامی نیروهای ارتجاعی و فرصت‌طلب فراهم گردیده است. از زمان تشکیل پنجاه‌وسومین کنفرانس کنگره ملی آفریقای جنوبی در مانگوانگ، دادگاه‌ها مجبور بودند بسیاری از اختلاف‌های سیاسی را حل‌وفصل کنند. اجازه دادن به دادگاه‌ها برای داوری این اختلاف‌های سیاسی، قوه قضایی را ناخواسته وارد دعواهای سیاسی کرده و خلأ رهبری در جامعه را باعث شده که به هرج‌ومرج انجامیده است.

با امر خطرناک اتکای مطلق به دادگاه‌ها و نبود رهبری در شرایط حاضر ضروری است که برخورد شود. ائتلاف مسئولیت سیاسی دارد تا دادگاه‌ها جایگزین سازمان‌های انقلابی و انضباط سیاسی نشوند و از این بابت اطمینان حاصل کند.

هرچند ممکن است گفته شود در حال تحکیم دموکراسی و تقویت نهادهای دموکراتیک هستیم، ولی حقیقت این است که آفریقای جنوبی در تحول و تحکیم برابری و اصل رفع تبعیض به‌طورکامل هنوز به‌موفقیت دست نیافته است. بسیاری از عملکردهای منسوخ گذشته ازجمله تبعیض در شکل‌هایی آشکار و پنهان و نیز در مرزهای جنسیتی و نژادی هنوز پابرجاست. در محیط سیاسی‌ای جناحی‌شده، از قوه قضائیه برای فریب و شکست دادن مخالفان سیاسی استفاده می‌شود.

سیزو پاملا - سخنگوی ملی کوساتو

سایت کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو)، 21 تیرماه 1400
ترجمه از: http://mediadon.co.za/2021/07/12/cosatu-statement-on-the-ongoing-protests-and-the-wanton-destruction-of-vital-economic-and-community-infrastructure/

16 August 2021

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن
پیام گیر ما
004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:
B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و «ای-میل»
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۴۹
Nameh Mardom –Workers Supplement No.49